

بررسی تطبیقی «سته ایام» در دیدگاه فریقین

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۱

غلامرضا خوش نیت؛ دکتری علوم قرآن و حدیث، استادیار دانشکده شهید محلاتی قم (نویسنده مسئول)
عباس شریفی؛ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، هیئت علمی دانشگاه مجتمع امیرالمؤمنین اصفهان
زهراء رجایی؛ کارشناس ارشد ادبیات عرب

چکیده

درباره واژه «سته ایام» که به آفرینش آسمانها و زمین در شش روز اشاره دارد سوالات زیادی مطرح می‌شود از جمله چگونگی خلقت آن دو در شش روز، در حالیکه شب و روزی وجود نداشته و یا وجود تناقض با نظریه‌های علمی و همچنین تناقض آن با آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت و چرایی عدم خلقت در یک لحظه با وجود قدرت بر آن، باعث شده این موضوع همواره مورد توجه قرار گیرد. در این مقاله توصیفی-تحلیلی سعی شده این موضوع به صورت تطبیقی از تفاسیر فریقین (شیعه و سنی) مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که منظور از یوم مدتی از زمان و دوران و منظور از خلقت در شش روز، خلقت در شش مرحله و دوره طولانی است که با شواهد علمی آفرینش آسمان و زمین که آن را نتیجه گذشت سالیان طولانی می‌داند سازگاری دارد و همچنین اکثریت مفسران فریقین در تفسیر آیاتی که به ظاهر خلقت را هشت روز بیان می‌کند، واژه «اربعه ایام» را به «تمه اربعه ایام» تفسیر کرده و دو روز خلقت زمین را داخل در اربعه ایام دانسته‌اند.

کلیدواژه‌ها: سته ایام، اربعه ایام، خلقت، فریقین.

طرح مسأله

واژه سته ایام از واژه‌هایی است که در هفت آیه از هفت سوره قرآن کریم و در موضوع خلقت آسمان‌ها و زمین به کار رفته است. (اعراف: ۵۴؛ یونس: ۳؛ هود: ۷؛ فرقان: ۵۹؛ سجده: ۴؛ ق: ۳۸؛ حدید: ۴) با در نظر گرفتن مجموع این آیات، خداوند بحث خلقت آسمان‌ها و زمین و آنچه در بین آنهاست را در شش روز بیان می‌کند. این بحث با توجه به سوالاتی که در ذهن افراد در طول تاریخ به وجود آورده از دیرباز مورد توجه مفسران قرار گرفته و پیرامون آن به ابراز نظر پرداخته‌اند. از جمله این سوالات چگونگی وصف خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز است، در حالی که قبل از آفرینش آنها، شب و روزی وجود نداشته است؟ و یا این که پیدایش مجموعه جهان کمتر از یک هفته با نظریه‌های علمی که خلقت زمین و آسمان به وضع کنونی را حاصل سالیان متمادی می‌داند، چگونه قابل جمع است؟ از طرف دیگر آیا این آیات با آیات ۹ تا ۱۲ سوره مبارکه فصلت که مجموع خلقت را در ظاهر هشت روز بیان می‌کند، تعارض ندارد؟ و همچنین چرا خداوند با این که قدرت بر خلقت در یک لحظه دارد؛ آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفریده است؟

در این موضوع مقالات متعددی به رشته تحریر در آمده است به عنوان نمونه می‌توان از مقاله مقدمه‌ای بر اهمیت زمین‌شناسی از دیدگاه قرآن، (مفید کلانتری، پاییز ۱۳۸۳)، مقاله برگزیده بیستمین جشنواره ملی قرآن دانشجویان ایران) نام برد که محور اصلی بحث نویسنده بیشتر آیات مربوط به زمین بوده است و در قسمتی از مقاله بحث خلقت در سته ایام را به تناسب پژوهش خود مورد بررسی قرار داده است؛ اما به صورت مبسوط و تطبیقی از نگاه مفسران شیعه و اهل سنت این بحث را مورد تحقیق قرار نداده است. اثر دیگر که در این زمینه می‌توان نام برد، مقاله آفرینش شش روزه و حرکت جوهری (مصطفوی، بهار و

تابستان ۱۳۹۲، شماره دوم، ۹۱-۹۸) است. در این مقاله هر چند نظریاتی از مفسران شیعه و اهل سنت ذکر گردیده است، اما بیشتر به شرح سخن ملاصدار در تفسیر آیه پرداخته و سعی شده خلقت شش روزه را بر حرکت جوهری ملاصدرا استوار سازد و به صورت تطبیقی بحث را دنبال نکرده و همچنین تعدادی از سوالات ما بدون جواب مانده است.

مفهوم شناسی:

۱. «یوم»

یوم به مطلق زمان محدود گفته می‌شود خواه کم باشد یا زیاد چه در ماده یا آن چه ماوراء ماده است؛ از روز یا شب و یا اعم از آن. این کلمه در قرآن به معانی مختلفی به کار رفته است. گاهی به معنای روز در مقابل شب (بقره: ۲۵۹) گاهی به معنای مجموع روز و شب (شعراء: ۱۵۵) در مواردی به معنای مطلق زمان محدود در مورد امور مادی (توبه: ۱۰۸) و در بعضی موارد به معنای زمان خارج از مفهوم مادی (آیات مربوط به قیامت) به کار رفته است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۸۰/۱۴)

۲. «قدر»

قدر به معنای اندازه گیری و تعیین (قرشی، ۱۳۷۱: ۵/۲۴۶)، بیان کردن کمیت چیزی. تقدیر الله الاشیاء دو صورت دارد: اول با بخشیدن قدرت و توانایی دادن به اشیاء و دوم اینکه آن شیء را به وجهی مخصوص در اندازه‌ای معین آنطور که حکمت اقتضاء کرده است قرار دهد، این معنی از این قرار است که فعل خدای تعالی دو گونه است، اولاً با فعل چیزی را ایجاد می‌کند و معنی ایجاد به فعل این است که آن را کاملاً و ناگهانی ابداع نموده و بیافریند به طوری که افزونی و

کاستی او را فرا نگیرد تا اینکه بخواهد فانیس کند یا تغییرش دهد، مثل آسمانها و آنچه که در آنهاست. دوم اینکه فعل خدای تعالی به این است که اصول چیزی را با آن فعل موجود می‌کند و اجزایش را همراه با نیرو و قدرت بر وجهی که غیر از آنچه برایش تقدیر نموده حاصل نماید قرار می‌دهد، مانند تقدیر خدای تعالی نخل را در هسته خرما به اینکه نخلی از آن هسته می‌روید نه سیب یا زیتون. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳/ ۱۳۸) در این مفهوم قدر دو نکته نهفته است: یکی این که آن شیء نمی‌تواند از آن اصول تخلف کند و دوم اینکه بعد از گذشت زمانی این تقدیر شکل ایجاد می‌گیرد نه این که ناگهانی ایجاد شود.

دیدگاه مفسران شیعه در تفسیر «سته ایام»

مفسران شیعه در تفسیر «سته ایام» (خلقت آسمانها و زمین در شش روز) نظرات متفاوتی بیان کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سته ایام: به مقدار و اندازه شش روز از روزهای دنیا

تعدادی از مفسران شیعه با توجه به این که روز و شب از گردش زمین به دور خود و در برابر نور خورشید به وجود می‌آید و در زمان خلقت آسمانها و زمین، شب و روزی وجود نداشته است مقصود از خلقت آسمانها و زمین در شش روز را به خلقت آنها به مقدار و اندازه شش روز از همین روزهای عادی و ایام هفته تفسیر کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/ ۶۶۰؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۷: ۴/ ۴۲۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۱/۸؛ شبیر، ۱۴۱۲: ۱/ ۱۷۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۱/ ۴۴۱؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۲/ ۱۸۹؛ کاشانی، ۱۳۷۳: ۲/ ۱۱۰).

این بحث که قبل از خلقت آسمان و زمین یوم به معنای آن چه برداشت فعلی ما از آن است، وجود نداشته کاملاً صحیح است؛ اما تفسیر یوم به مقدار ایام عادی

زمان ما، نیاز به دلیل دارد که در این تفاسیر بیان نشده و روایات نقل شده از قول مجاهد که بعضی از این مفسران در تفاسیرشان بعد از اظهار نظر خود آورده اند برای اثبات این نظر قانع کننده نیست؛ چون در این روایات علاوه بر خلقت در روز یکشنبه و دو شنبه و سه شنبه و چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه در پایان روایت قول به مقدار این روزها به هزار سال نیز آمده است.

۲. سته ایام: شش دوره و برهه از زمان

برخی از مفسران شیعه یوم را به معنای مقدار معینی از زمان (دوران) گرفته‌اند و گفته اند لازم نیست که حتما ایام در این آیات با روز اصطلاحی که ساکنان زمین به کار می‌برند منطبق باشد؛ چون روز هر ظرفی مقداری است از زمان که در ظرف زمین عبارت از مدت زمانی است که زمین یک بار به دور خود می‌چرخد و در مورد قمر برابر است با بیست و نه روز و نصف و استعمال کلمه یوم به معنای برهه‌ای از زمان و دوره طولانی استعمالی است شایع. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۰/۱۰) این مفسران برای اثبات این حقیقت شواهدی را بیان می‌کنند:

الف) دلیل قرآنی

در قرآن صدها بار کلمه «یوم» و «ایام» به کار رفته است و در بسیاری از موارد به معنی شبانه روز معمول نیست، مثل آیات ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾ (آل عمران: ۱۴۰) و ﴿فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (یونس: ۱۰۲). همچنین تعبیر از عالم رستاخیز به «یَوْمَ الْقِيَامَةِ» نشان می‌دهد که مجموعه رستاخیز که دورانی است بسیار طولانی به عنوان «روز قیامت» شمرده شده است،

از پاره‌ای از آیات قرآن استفاده می‌شود که روز رستاخیز و محاسبه اعمال مردم پنجاه هزار سال طول می‌کشد. (معارج: ۴)

ب) دلیل لغوی

در متن کتب لغت نیز می‌خوانیم که «یوم» گاهی به مقدار زمان میان طلوع و غروب آفتاب گفته می‌شود و گاهی به مدتی از زمان، هر مقدار که بوده باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۴ / ۵۵۱)

ج) دلیل روایی

در روایات و سخنان پیشوایان دینی نیز کلمه «یوم» به معنی دوران بسیار آمده است، چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «الدهر یومان یوم لک و یوم علیک؛ دنیا برای تو دو روز است، روزی به سود تو است و روزی به زیان تو». (دشتی، ۱۳۷۹: نامه ۷۲ / ۶۱۵) در تفسیر برهان در ذیل همین آیه از تفسیر علی بن ابراهیم نیز می‌خوانیم که امام فرمود: «فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ يَعْنِي فِي سِتَّةِ أَوْقَاتٍ؛ شش روز یعنی شش وقت و دوران». (علی بن ابراهیم قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۲۶۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰۱/۶؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۳۹۷/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۰۳/۲؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۴۲۵/۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲ / ۵۵۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۳۸؛ جعفری، بی‌تا: ۱۰۰/۴؛ مغنیه، بی‌تا: ۱، ۲۰۱).

این تفسیر از «سته ایام» می‌تواند جوابی باشد برای شبهه‌ای که می‌گوید پیدایش جهان در شش روز یعنی کمتر از یک هفته چیزی است بر خلاف علم؛ زیرا میلیاردها سال طول کشیده تا زمین و آسمان به وضع کنونی درآمده است با توجه به این تفسیر خداوند مجموعه زمین و آسمان را در شش دوران متوالی آفریده است، هر چند این دورانها می‌تواند گاهی به میلیونها یا میلیاردها سال بالغ شده

باشد و علم امروز هیچ گونه مطلبی را که مخالف این موضوع باشد بیان نکرده است.

۳. سته ایام: شش مرحله و مخصوص خلقت زمین

یکی از مفسران معاصر شیعه در تفسیر سته ایام نظر جدیدی را بیان کرده‌اند. ایشان معتقدند ایام جمع یوم به معنای روز و قسمتی از زمان است و چون قبل از خلقت، کرات آسمان و خورشید و زمین و ماه که عبارت از مقدار حرکت وضعی و انتقالی زمین باشد پدید نیامده و قطعات زمان یعنی سال و ماه و هفته و روز نبوده است، پس در آیات مربوط به خلقت، منظور از روز مرحله و مراد از سته ایام، شش مرحله است؛ اما این شش مرحله بیان چگونگی خلقت زمین بخصوص است و سته ایام چگونگی خلقت کرات آسمان را شامل نمی‌شود.

ایشان برای اثبات نظر خود از آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت استفاده می‌نمایند و می‌گویند با توجه به محتوای این آیات منظور از سته ایام بیان چگونگی خلقت زمین است؛ چون زمین از ابتدای خلقتش دو دوره را پشت سر گذاشته ﴿خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ﴾ (فصلت: ۹) که تکرار پذیر نیست و چهار دوره که برای تدبیر و انتظام زندگی موجودات در آن است ﴿قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ﴾ (فصلت: ۱۱) همان چهار فصل سال است؛ که تکرار پذیر است که از حرکت و سیر وضعی و انتقالی زمین و تمایل آن به سوی جنوب و شمال صورت می‌گیرد و جمع این دو دوره همان سته ایام است. پس سته ایام مربوط به چگونگی خلقت کرات آسمان نیست؛ زیرا چنانچه چگونگی آفرینش آسمان‌ها نیز منظور بوده زیاده بر شش روز «دوره» می‌شد؛ چون طبق این آیات خلقت آسمانها خود دو روز بوده است ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ﴾ (فصلت: ۱۳) (حسینی

همدانی، ۱۴۰۴: ۱۴ / ۳۹۹) ایشان همچنین با استناد به این قسمت از آیه ۵۴ سوره مبارکه اعراف ﴿يَغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا﴾ نظام مخصوص شب و روز که در زمین فرمانروا است را در اثر سیر و حرکت زمین در برابر خورشید دانسته و آن را شاهدی گرفته که مراد از جمله «فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» درباره خصوص خلقت زمین و انتظام تدبیر آن است که در اثر سیر و حرکت منظم آن در برابر خورشید شب و روز پدید می‌آید و در اثر تمایل تدریجی آن به سوی جنوب و شمال چهار فصل سال به وجود می‌آید و بدین نظام متقن زندگی سلسله بشر که غرض از خلقت جهان است تامین می‌شود. (همان، ۱۶ / ۳۶۴) بنابراین، ایشان به علت عدم ایجاد تناقض بین آیات مربوط به خلقت در شش روز (سته ایام) و آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت که در ظاهر جمع خلقت را هشت روز می‌داند و دیگر اینکه نظام روز و شب مخصوص زمین است که در اثر حرکت وضعی زمین پدید می‌آید و او «و الارض» را استینافیه گرفته و «فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» را مخصوص آفرینش زمین تفسیر کرده است.

این نظریه هر چند نظری نو و بدیع است؛ ولی خالی از اشکال نیست: الف) و او را استینافیه گرفتن و مخصوص کردن جمله «فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» برای کلمه «والارض» نیاز به دلایلی متقن دارد که در این بحث ارائه نشده است. ب) اگر این مطلب را بپذیریم در سه آیه‌ای که «و ما بینهما» مطرح شده (ق: ۳۸ و سجده: ۴ و فرقان: ۵۹) دچار مشکل می‌شویم.

ج) درست است که نظام روز و شب مخصوص زمین است؛ ولی مقصود از روز بنا به تفسیر در این آیات قطعه‌ای از زمان است نه روز معهود ذهن ما.

د) آیات سوره فصلت که به ظاهر مجموع ایام خلقت را هشت روز بیان می‌کند و یکی از دلایل این نوع تفسیر از آیه بوده است دارای تفسیری است که ان شاء الله در جای خود بیان خواهد شد و این گونه تفسیر از آیه را منتفی می‌سازد.

۴. سته ایام: آفرینش شش عالم در شش زمان محدود از ماوراء ماده

بعضی از مفسرین با نگاهی فلسفی و عرفانی به این بحث پرداخته و با عبور از تنزیل (ظاهر آیات) به عرصه تأویل وارد شده‌اند. یکی از این مفسرین در تفسیر واژه سته ایام، نظر خود را به این صورت بیان می‌دارد که یوم مطلق هر زمانی است که محدود باشد، خواه مادّی یا ماورای مادّی و استعمال آن به معنی روز و شب معین محسوس، از مصادیق مفهوم یوم بوده و مخصوص زمان مادّی است و ما این مفهوم (سته ایام ماورای ماده) را نمی‌توانیم با مقیاس‌های مادّی و فکر خودمان تطبیق و تعیین کنیم؛ تنها می‌توانیم بفهمیم که این آفرینش در شش زمان محدود جداگانه صورت گرفته است و شاید این عدد به اعتبار تعدّد وقایعی است که در آن شش زمان صورت گرفته است، چون خلق آب و لواحق آن و خلق جمادات و سائر آنچه از آب متکوّن می‌شود و خلق آسمان و زمین و خلق نباتات، حیوانات، انسان. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۱۰/۳۲۴) این مفسر در ادامه بحث خود مراد از سته ایام را به آفرینش شش عالم نیز تعبیر می‌کند و می‌فرماید: «یوم به معنی زمان معین و محدود روشنی است و معین و محدود بودن زمان با حوادث و وقایع صورت می‌گیرد و ممکن است محدود بودن زمان به شش وقت به اعتبار واقع شدن آفرینش عوالم در شش زمان محدود باشد: اوّل: عالم امر که ماورای ملکوت است، چون عقول. دوّم: عالم ملکوت که ماورای ماده است، چون ملائکه. سوّم: عالم انسان که مرکّب از ماده و روح است. چهارم: عالم حیوانات بحری و برّی و پرنده. پنجم: عالم نباتات از اشجار و گیاههای مختلف. ششم: عالم جمادات که مادون عوالم باشد و این شش عالم به ترتیب و تدریج هر کدام در زمان محدود و معینی که مقتضی بوده خلق و تنظیم شده است و علم تفصیلی آنها از هر جهت مخصوص پروردگار متعال است و برای ما امکان بحث و شرح بیش از این ممکن نیست.» (همان، ۱۰/۳۷۹)

چنانچه ملاحظه می‌گردد این بیان عبور از تنزیل یعنی ظاهر آیات و ورود به عرصه تأویل است که اگر آیتی محکم یا روایتی متقن آن را تأیید نکند نمی‌تواند ملاک تفسیر آیه قرار گیرد. این مفسر بزرگوار نه تنها دلیل محکمی و نه تنها روایتی که صدق این ادعا را نشان دهد را بیان نمی‌کند، بلکه این قول را به صورت امکانی بیان کرده و علم به آن و شرح و تفصیل آن را نیز مخصوص خود خداوند می‌داند. افراد دیگری از شیعه و اهل تسنن نیز وجود دارند که با این نگاه به تفسیر این واژه پرداخته و نظرات دیگری را نیز بیان کرده‌اند که بیشتر ناظر به جنبه باطنی آیه است که خارج از بحث اصلی ماست. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱/ ۲۳۷؛ بیان السعاده، ۱۳۷۲: ۵/ ۳۱۲)

دیدگاه مفسران اهل تسنن در تفسیر «سته ایام»

مفسران اهل سنت همچون مفسران شیعه از متقدمین و متأخرین به تفسیر و بررسی آیات مربوط به خلقت در شش روز پرداخته‌اند و نظرات متفاوتی را بیان کرده‌اند.

۱. سته ایام: به مقدار و اندازه شش روز

تعدادی از مفسران اهل سنت منظور از سته ایام را به همان دلیلی که مفسران شیعه آورده‌اند (یوم به معنای روز ناشی از حرکت انتقالی و وضعی زمین است و در آن زمان زمینی نبوده است) به خلقت آسمان و زمین به مقدار و اندازه شش روز تفسیر کرده‌اند؛ اما در این که مصداق روز کدام است نظرات متفاوتی دارند: الف) منظور از ایام در این آیات روزهای کوتاه دنیاست (شبانه روز که معهود ذهن ما است). (زمخسری، ۱۴۰۷: ۳ / ۲؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۲۲۳/۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۶/۳؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۱ / ۱۶۰؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۱۷۴/۳) این تفسیر

شبهه تفسیری است که تعدادی از مفسران شیعه داشته‌اند (نظر اول) و انتقاداتی که قبلاً ذکر شد به این تفاسیر هم وارد است.

ب) منظور روزهای طولانی (ایام الله) است که هر روز آن به اندازه هزار سال دنیاست. این مفسران برای تفسیر خود به برخی از آیات قرآن استناد می‌کنند مثل آیه ۴۷ سوره مبارکه حج: ﴿وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾ و آیه ۴ معارج: ﴿فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ و به اخباری از ابن عباس، مجاهد، زید ابن ارقم و ضحاک مستند می‌کنند. به نقل از رشید الدین میبدی در کشف الاسرار و عده الابرار بیشترین مفسران اهل سنت بر این نظر هستند. (مراغی، بی تا: ۸ / ۱۶۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ۸ / ۱۴۶؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۱ / ۷۲۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۵ / ۱۴۹۶)

آیاتی که این مفسران به آن استناد کرده‌اند در مورد قیامت است. آیه اول در رد استعجال کفار به عذاب و معنا نداشتن کم و زیاد بودن زمان برای خدا و به عبارتی یکسان بودن یک روز و هزار روز در برابر قدرت خدا است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۵۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۱۳۲) و عدم سنخیت آیه دوم که یوم را پنجاه هزار سال بیان کرده است. با این تفسیر بسیار واضح است و در بحث روایات قابل استناد همان انتقادات قبلی وارد است.

ج) منظور همان روز مشهور بین مردم است و قول یوم به ایام الله بعید نیست درست باشد. (ابن عاشور، بی تا: ۸ / ۱۲۵) اما دلیلی را بیان نمی‌کند.

د) تعدادی از مفسران نیز فقط به ذکر اختلاف بین مفسرین در این زمینه پرداخته و خود سکوت کرده و نظری را اختیار نکرده‌اند. (رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱: ۳ / ۶۳۱-۶۲۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۷ / ۲۱۹؛ بحر العلوم، سمرقندی، بی تا: ۱ / ۵۲۱؛ سور آبادی، ۱۳۸۰: ۲ / ۷۵۴؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲ / ۱۹۷؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۱ / ۶۷۴)

۲. سته ایام از اشارات قرآنی و از امور غیبی

بحث خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز از اشارت قرآنی و از امور غیبی است که خداوند کسی را بر آن شاهد نگرفته است و هر آن چه که در باره آن گفته شود مورد استناد به دلیل یقینی نبوده و از امور علم آور نیست و جز حدس و گمان و تخمین چیزی نیست و نمی‌توان با آنها در مورد قرآن سخن گفت و هدف از طرح آن بیان وجود واجب الوجود، عظمت، یگانگی، قدرت فراگیر و ربوبیت مطلق خداوند و بیان حکمت تقدیر و تدبیر خداوند است که این امر زمینه ساز رشد، بلوغ و کمال انسانی است نه طرح مسائل علمی که ما به سراغ حدس و تخمین و گمان برویم. (محمد عزت دروزه، ۱۳۸۳: ۲۴۹/۲ و ۲۵۰؛ سید بن قطب ۱۴۱۲: ۱۲۹۷/۳ و ۱۷۶۳/۳ و ۲۵۷۶/۵)

۳. سته ایام: شش ساعت از شش روز از روزهای طولانی دنیا

در میان تفاسیر اهل سنت دو تفسیر، دیدگاهی را ذکر کرده‌اند که در هیچ کدام از کتابهای تفسیری دیگر نیامده است. در این دو تفسیر نقل شده که احتمال دارد منظور از سته ایام شش ساعت از شش روز از روزهای طولانی دنیا باشد؛ اما در آن تفاسیر هیچ دلیل قرآنی یا روایی و یا لغوی و یا عقلی برای اثبات این نظر بیان نشده همچنین درباره این که این نظر را چه کسانی ادعا کرده‌اند نیز سخنی به میان نیامده است. (سمرقندی، بی تا: ۵۲۱/۱؛ سور آبادی، همان)

رفع تناقض بین سته ایام با آیات سوره فصلت

خداوند متعال در آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت آفرینش زمین را در دو روز: ﴿خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ﴾ و کوه‌ها و برکات و غذاها را در چهار روز: ﴿وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ﴾ و در دنباله این آیات، آفرینش آسمانها را نیز در دو روز ذکر کرده: ﴿فَقَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ﴾ که مجموعاً هشت روز می‌شود در حالی که در آیاتی که بحث آنها گذشت آفرینش آسمانها و زمین، مجموعاً در شش روز، یا به تعبیر دیگر در شش دوران، بیان شده است.

با دقت در این آیه روشن می‌شود که نکته اصلی که باعث به وجود آمدن این تناقض شده واژه «اربعه ایام» است که با تبیین و مورد بررسی قرار دادن این واژه شبیه نیز بر طرف خواهد شد. با بررسی نظرات و آراء مفسران فریقین در مورد این موضوع و جمع بندی نظرات آنها می‌توان گفت: سه تفسیر از واژه «اربعه ایام» وجود دارد:

۱. تفسیر «اربعه ایام» به «تتمه اربعه ایام»

طبق این تفسیر در حقیقت آیه به صورت «فی تتمه اربعه ایام» بوده که کلمه «تتمه» حذف شده است و معنای آیه چنین است: در دو روز اول از این چهار روز زمین آفریده شده و در دو روز بعد سایر خصوصیات زمین، به اضافه خلقت آسمانها در دو روز مجموعاً شش روز (شش دوران) می‌شود؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۲/ ۱۸؛ شیخ طوسی، بی تا: ۹/ ۱۰۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۷/ ۶۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰/ ۲۲۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/ ۱۸۸؛ رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱: ۸/ ۵۱۱؛

فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۷/۵۴۵؛ ابن عاشور، بی تا؛ ۱۸/۲۵) اما در اینکه متعلق محذوف ظرف (تتمه اربعه ایام) باشد دو نظر کلی وجود دارد:

الف) «قدر الارزاق»: تقدیر کلام به این صورت است: (قدر فی الارض ارزاق اهلها فی تتمه اربعه ایام من حین بدأ الخلق) یعنی خداوند ارزاق روزی خواران را در تتمه چهار روز از حین آغاز خلقت مقدر فرمود. در نتیجه دو روز به خلقت زمین پرداخت و دو روز هم - که تتمه چهار روز است - به تقدیر ارزاق. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۹) و دو روز هم که خلقت آسمان است و با خلقت شش روزه هماهنگ است و دیگر تناقضی در میان نخواهد بود.

ب) «حصول اقوات»: تقدیر کلام چنین است: «قدر حصول اقواتها فی تتمه اربعه ایام» یعنی خداوند پدید آوردن ارزاق را در تتمه چهار روز مقدر فرمود، که ظرف چهار روز ظرف برای خلقت زمین و پدید آوردن ارزاق هر دو است (ابی السعود، بی تا: ۵/۸) و با خلقت دو روزه آسمان خلقت شش روزه آسمانها و زمین کامل می شود. بعضی دیگر گفته اند: ظرف مزبور متعلق است به حصول همه اموری که در آیه شریفه ذکر شده، هم قرار دادن کوهها و هم برکت دار کردن آنها و پرورش مواد غذایی و تقدیر کلام این است که حصول همه اینها در تتمه چهار روز بوده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲۲۶)؛ ولی این توجیه مستلزم حذف کردن و تقدیر گرفتن بیشتری است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۵۱/۱۷)

۲. «تفسیر اربعه ایام از باب خلاصه گیری از کلام»

طبق این نظر مضافی از آیه (تتمه) حذف نشده، بلکه از باب ایجاز و خلاصه گویی آیه به این صورت آمده است. بنا به این نظریه، اربعه ایام متعلق به مبتدا و خبر محذوف بوده و تقدیر کلام چنین است: (کل ذلک کائن فی اربعه ایام): همه

اینها در چهار روز بوده، گویا فرموده: خدا زمین را در دو روز و آرزاق روزی خواران و سایر حیوانات را هم در دو روز آفرید، در نتیجه همه اینها در چهار روز بوده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۸۸/۴) و دو روز هم خلقت آسمان که جمعا شش روز می شود.

نکته‌ای در این دو تفسیر وجود دارد و آن اینکه، هر دو تفسیر به یک نتیجه مشترک منتهی می‌شوند و اکثریت مفسران از شیعه و اهل تسنن برای تفسیر اربعه ایام و بر طرف نمودن شبهه به وجود آمده این دو نظر خصوصا نظر اول را بیان می‌کنند و دلایل خود را به این صورت اعلام می‌دارند:

(الف) استعمال عرفی: نظیر این تعبیر (فی اربعه ایام به معنای فی تتمه اربعه ایام) در زبان عرب و تعبیرات فارسی نیز وجود دارد که فی المثل گفته می‌شود: از اینجا تا مکه ده روز طول می‌کشد و تا مدینه پانزده روز، یعنی پنج روز فاصله مکه و مدینه است و ده روز فاصله اینجا تا مکه. (پنج روز فاصله مکه تا مدینه را داخل در پانزده روز می‌آورند). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۲۲۴)

(ب) تفسیر قرآن با در نظر گرفتن مجموع آیات مرتبط با هم: از آنجا که آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می‌کنند و قرینه یکدیگر می‌شوند، این تفسیر به دلیل رفع تناقض بین این آیات و سته ایام می‌تواند تفسیر خوب و قابل قبولی باشد. آنها همچنین بیان می‌کنند که اگر آیات متعدد آفرینش در شش روز نبود چنین تفسیری پذیرفته نمی‌شد. (همان)

(ج) ایجاز قرآن و قرائن موجود در آیه: خداوند به قصد ایجاز قرآن و با اعتماد به قرینه‌ای که بعد از «اربعه ایام» آورده (و آن اشاره به خلقت آسمان‌ها در دو روز) واژه تتمه را در آیه ذکر نکرده است و به آوردن اربعه ایام بسنده کرده است؛ چون افراد با در نظر گرفتن روش قرآن (ایجاز گویی) و قرائن موجود در آیات (که نباید خلقت آسمان‌ها و زمین به دلیل صراحت سته ایام از شش روز بیشتر

شود) می‌توانند مفهوم و مراد اصلی خداوند را از اربعه ایام درک کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷/۵۵۰)

۳. تفسیر «اربعه ایام» به فصول چهارگانه سال

بر اساس این نظر، آیات سوره مبارکه فصلت، اشاره به خلقت آسمان‌ها و زمین در چهار روز دارد، دو روز برای خلقت زمین و دو روز برای به پا داشتن آسمان-های هفتگانه و اربعه ایام که در آیه ذکر شده مربوط به خلقت نیست، بلکه مربوط به تقدیر اقوات است؛ چون آنچه در کلام خدای تعالی مکرر آمده این است که خدای تعالی آسمانها و زمین را در شش روز آفریده، نه مجموع خلق و تقدیر را. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷/۵۵۱) پس حق این است که ظرف مزبور (اربعه ایام) تنها قید برای جمله اخیر (قدر فیها اقواتها) باشد و با این تفسیر دیگر نه حذفی لازم می‌آید و نه تقدیری (که دیگر مفسران گفته‌اند) و مراد از بیان تقدیر ارزاق زمین همان چهار فصل سال است. (همان، ۵۵۲) بر طبق نظر این مفسر گرانقدر خداوند متعال دو روز باقیمانده را به تقدیر ارزاق پرداخته که آن همان به حرکت در آوردن زمین به دور خورشید است به نحوی که در اثر دور شدن و یا نزدیک شدن از خورشید و نیز در اثر میل به شمال و جنوب چهار قسم هوا در زمین (چهار فصل) بوجود می‌آید. (همان، ۱۰/۲۲۴) از مجموع مباحث مطرح شده چنین می‌توان استنباط کرد که علامه قائل‌اند به چهار دوره تکرار ناپذیر برای خلقت آسمان و زمین و چهار دوره تکرار پذیر برای تقدیر ارزاق (فصول سال) و پیدایش اولیه این چهار دوره تکرار پذیر (حرکت زمین به دور خورشید و حالت‌های زمین که باعث ایجاد فصول می‌شود) در دو دوره زمانی به وجود آمده است که جمعا شش دوره می‌شود به این ترتیب تناقض بین آیات سته ایام و این آیات (۹ تا ۱۲ فصلت) رفع می‌شود. از میان مفسرین متقدم علی ابن ابراهیم قمی

با استناد به روایات نیز چنین نظری را برگزیده است. (قمی، ۱۳۶۷: ۲/۲۶۲) علاوه بر روایت که این تفسیر را تأیید می‌کند دلیل اصلی که علامه به آن استناد کرده است قرائن موجود پیرامون آیه از جمله واژه «قدر» است که علامه طباطبایی با ظرافت آن را در تفسیر خود مورد ملاحظه قرار داده است و بین «خلق و قدر» تفاوت قائل شده است در حالی که بیشتر مفسرین این دو را به یک معنا گرفته‌اند. البته انتقاداتی به این تفسیر وارد شده است از جمله:

(الف) این تفسیر هماهنگی را در میان جمله‌های آیات تأمین نمی‌کند؛ چرا که در مورد خلقت زمین و آسمان «یوم» به معنی دوران آغاز پیدایش است؛ اما طبق این تفسیر «یوم» در مورد خصوصیات زمین و مواد غذایی به معنی فصول سال است که پیوسته تکرار می‌گردد، همچنین فصول سال بعد از خلقت زمین و آسمان به وجود می‌آید در حالی که در این آیات بعد از «فی اربعه ایام» خداوند بحث آفرینش آسمان را مطرح می‌کند، پس چگونه می‌تواند قبل از آفرینش آسمان فصول ایجاد شده باشد. نتیجه اینکه اربعه ایام نمی‌تواند به معنای فصول سال باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲۲۵؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱/۶۲)

(ب) نتیجه این تفسیر آن است که از شش روز آفرینش تنها از دو روز مربوط به خلقت زمین و دو روز مربوط به خلقت آسمان‌ها، بحث شده؛ اما دو روز باقیمانده که مربوط به خلقت موجوداتی است که میان زمین و آسمان قرار دارند (ما بینهما) سخنی به میان نیامده است. (همان)

پاسخ به انتقادات

پاسخ به انتقاد اول: همانطور که یوم تنها به معنای شبانه روز معهود ذهن ما نیست، بلکه در معانی دیگری از جمله دوران تکرار ناپذیر به کار می‌رود می‌تواند در مورد ایام تکرار پذیر (فصول سال) هم به کار رود، همچنین با توجه به جمله

«قدر اوقاتها» و دقت در مفهوم «قدر» که خداوند اصول را برای ایجاد چیزی موجود می‌کند و برای اجزایش قدرت و نیرویی بر وجهی که غیر آن برایش تقدیر ننموده قرار می‌دهد و بعدا آن شیء به وجود می‌آید، انتخاب این معنا می‌تواند محتمل به نظر رسد؛ یعنی خداوند بعد از دو روز از خلقت زمین، در طول دو روز دیگر و قبل از خلقت آسمان اصولی را که برای ایجاد فصول سال لازم است را تقدیر کرده و بعد از تمام شدن خلقت آسمان فصول سال به عنوان دوره‌های تکرار پذیر به وجود می‌آیند.

پاسخ به انتقاد دوم: در چهار مورد از آیات مربوط به خلقت آسمان‌ها و زمین لفظ «ما بینهما» نیامده است؛ ولی در سه مورد این لفظ تکرار شده است که این تفسیر ایراد کننده در توجیه این مطلب می‌فرماید: لفظ ما بینهما در حقیقت توضیحی است برای جمله قبل، زیرا همه اینها در معنی آسمانها و زمین جمع است، چون می‌دانیم آسمان شامل تمام چیزهایی می‌شود که در جهت بالا قرار دارد و زمین نقطه مقابل آن است. (همان، ۶ / ۲۰۰) بنابراین اختصاص دو روز (دو دوره) به خلقت زمین و دو روز به آسمان‌ها می‌تواند ما بینهما را هم شامل شود و دو روز دیگر همان مبدأ پیدایش تقدیر اوقات باشد.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی

هدف خداوند از خلقت شش روز

یکی دیگر از مباحثی که پیرامون آیات خلقت شش روزه آسمان‌ها و زمین مطرح است هدف خداوند تبارک و تعالی از خلقت آنها در شش روز است. شاید این سوال به ذهن برسد خداوندی که قدرت بر خلق در یک لحظه دارد و برای ایجاد یک شیء به محض این که بگوید باش موجود می‌شود، پس چرا در این مورد به صورت تدریجی و مرحله‌ای آسمان‌ها و زمین را خلق کرده است؟ بیشتر مفسران از شیعه و اهل سنت در تفاسیر خود این موضوع را مد نظر داشته و معمولا با

استناد به روایات جواب‌هایی را مطرح ساخته‌اند. البته این روایات بیشتر از طرف شیعه و در تفاسیر آنها آمده است؛ اما از مفسران اهل سنت آنهایی که به این بحث پرداخته‌اند نظرشان شبیه مفسران شیعه است. حکمت و مصلحت خداوند اقتضاء چنین خلقتی را دارد. با توجه به برهان لم و این که خداوند عالم مطلق، قادر مطلق، حکیم مطلق و دارای لطف مطلق است، پس اگر کاری را انجام داد به اقتضاء علم و قدرت و حکمتش بهترین کار و به بهترین شکل ممکن خواهد بود و با توجه به لطف مطلقش مصلحت مخلوقاتش را در نظر گرفته است هر چند ما به کنه و ذات علت آن پی نبریم. با توجه به روایات ائمه معصومین علیهم السلام و نقل آن از شیعه و اهل سنت و ذکر آن در کتب تفسیر می‌توان برخی از دلایل این فعل الهی را چنین بیان کرد:

۱. اتمام حجت بر خلائق که آسمان‌ها و زمین قدیم نبوده است. (بروجردی، ۱۳۶۶: ۲/ ۴۱۷)
۲. تعلیم تانی، دقت نظر، پایداری و مدارا به بندگان در امورشان؛ (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴۴۱/۱؛ لاهیجی، ۱۳۷۳: ۲/ ۴۳؛ عاملی، ۴: ۱۳۶۰/ ۱۶۴؛ قمی، ۱۳۶۸: ۵/ ۱۰۲؛ کاشانی، ۱۳۶۶: ۴/ ۴۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳۸/۲؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۱/ ۱۶۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۷/ ۲۱۹)
۳. اشاره به سیر تکاملی اشیاء و موجودات بر وفق سنت خدا و به امر او. (مترجمان، ۱۳۷۷: ۳/ ۲۹۰؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۳/ ۳۳۶)
۴. اشاره به دخول عنصر زمان در ذات اشیاء. (همان)
۵. اشاره به اندیشه نیاز عالم خلقت به تربیت خداوند. (همان)
۶. تابعیت نظام خلقت از اراده الهی. (همان)
۷. اشاره به علم و قدرت خداوند و تدبیر حکیمانه او. (طوسی، بی تا: ۴/ ۴۲۱)
۸. دلیل بر اختیار و اراده الهی بر کیفیت خلقت. (قاسمی، ۱۴۱۸: ۵/ ۶۹)

نتیجه گیری

با توجه به مطالب ارائه شده و تحلیل و بررسی این نظریه‌ها می‌توان نتایج حاصل از این مباحث را این گونه جمع بندی کرد: یوم در لغت به مدتی از زمان و دوران اطلاق می‌شود که می‌تواند با توجه به ظرف آن طولانی یا کوتاه باشد. استعمال یوم به معنای شبانه روز یکی از مصادیق این کلمه بوده و با نظر به این که قبل از خلقت آسمان‌ها و زمین، شب و روزی وجود نداشته، این معنا نمی‌تواند مد نظر آیات مربوط به خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز باشد، از طرف دیگر با توجه به معنای لغوی یوم و کاربرد آن در دیگر آیات و روایات، چنین به نظر می‌رسد که معنای صحیح مد نظر این آیات از یوم، همان معنای لغوی یوم، یعنی مدت زمان و دوران باشد. بر طبق این تفسیر منظور از خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز، خلقت آنها در شش مرحله و دوره از زمان بوده که دوره زمانی طولانی را هم می‌تواند شامل بشود. این تفسیر از یوم با شواهد علمی که آفرینش آسمان‌ها و زمین و به شکل امروزی در آمدن آنها را نتیجه گذشت سالیان طولانی دانسته سازگاری دارد. همچنین دیدگاه اکثریت مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر آیات ۹ تا ۱۲ سوره مبارکه فصلت (که به ظاهر خلقت را هشت روز بیان می‌کند) جهت رفع تعارض ظاهری با آیات سته ایام شبیه یکدیگر است. آنها واژه «اربعه ایام» را به «تتمه اربعه ایام» تفسیر کرده و دو روز خلقت زمین را داخل در اربعه ایام دانسته‌اند؛ بنابراین تفسیر در دو روز اول از این چهار روز زمین آفریده شده و در دو روز بعد سایر خصوصیات زمین، خلقت آسمان‌ها نیز در دو روز که مجموعاً شش روز (شش دوران) می‌شود و این همان «سته ایام» است؛ اما گروه کمی از شیعه با استناد به روایات و تفاوت گذاشتن بین «خلق و قدر» اربعه ایام را به چهار فصل تفسیر کرده و به این وسیله تعارض بین آیات را بر طرف نموده‌اند. این مفسران اعتقاد دارند که خداوند

خلقت را منحصر در شش روز کرده است در حالی که در این آیات بحث از تقدیر اقوات است، پس این دو بحث جدا از هم است. بر طبق این تفسیر چهار دوره تکرار ناپذیر برای خلقت آسمان و زمین و چهار دوره تکرار پذیر برای تقدیر ارزاق (فصول سال) وجود دارد و پیدایش اولیه این چهار دوره تکرار پذیر (حرکت زمین به دور خورشید و حالت‌های زمین که باعث ایجاد فصول می‌شود) در دو دوره زمانی به وجود آمده است که جمعا شش دوره می‌شود و به این ترتیب می‌توان تناقض ظاهری بین آیات را رفع کرد. از طرفی خداوند علیم و حکیم با توجه به اینکه دارای قدرت مطلق است و می‌تواند در یک لحظه آسمان‌ها و زمین را خلق کند این کار را در شش مرحله انجام داده است. از جمله اهدافی که با استفاده از روایات می‌توان بیان کرد عبارت است از: اتمام حجت بر خلائق که آسمان‌ها و زمین قدیم نبوده است، تعلیم تائی، دقت نظر، پایداری و مدارا به بندگان در امورشان، اشاره به سیر تکاملی اشیاء و موجودات بر وفق سنت خدا و به امر او، اشاره به دخول عنصر زمان در ذات اشیاء، اشاره به اندیشه نیاز عالم خلقت به تربیت خداوند، تابعیت نظام خلقت از اراده الهی، اشاره به علم و قدرت خداوند و تدبیر حکیمانه او، دلیل بر اختیار و اراده الهی بر کیفیت خلقت.

منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی)

۱. ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ سوم، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن عربی، ابو عبدالله محی الدین محمد، تفسیر ابن عربی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۲ ق.
۳. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی التفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۴. بروجردی، سید محمد ابراهیم، تفسیر جامع، تهران، انتشارات صدر، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ش.
۵. بغوی، حسین ابن مسعود، معالم التنزیل، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۶. حجازی، محمد محمود، الواضح، بیروت، دار الجیل جدید، چاپ ششم، ۱۴۱۳ ق.
۷. حسینی شیرازی، سید محمد، تقریب القرآن الی الاذهان، بیروت، دارالعلوم، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
۸. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۹. خانی، رضا، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباد، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۴۰۸ ق.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن الکریم، دمشق، دار العلم الدار الشامیه، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. زحیلی، وهبه بن مصطفی، تفسیر الوسیط، دمشق، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۳. سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تغییر سور آبادی، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ ششم، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. سیوطی، جلال الدین، تفسیر جلالین، بیروت، موسسه النور للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

۱۶. شبر، سید عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار البلاغه للطباعه و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

۱۷. طبرسی، فضل بن الحسن، جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.

۱۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، چاپ دوم، ۱۴۱۲ ق.

۲۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.

۲۱. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران، انتشارات صدوق، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش.

۲۲. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.

۲۳. عزت دروزه، محمد، التفسیر الحدیث، قاهره، دار إحياء الكتب العربیة، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ق.

۲۴. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر صافی، تهران، انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.

۲۵. قاسمی، محمد جلال الدین، محاسن التأویل، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

۲۶. قرطبی، محمد ابن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.

۲۷. قرشی، سید علی اکبر، احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.

۲۸. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۱ ش.

۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دار الکتب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.

۳۰. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

۳۱. کاشانی، ملافتح الله، خلاصه منهج الصادقین، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.

۳۲. کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر المعین، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

۳۳. لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر راد، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.

۳۴. مترجمان، تفسیر هدایت، پژوهشهای آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۳۵. مدرسی، سید محمد تقی، من الهدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۳۶. مصطفوی، حسن، تحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۰ ش.
۳۷. مغنیه، محمد جواد، تفسیر المبین، قم، بنیاد بعثت، چاپ اول، بی تا.
۳۸. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
۳۹. مراغی، احمد ابن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۴۰. میدی، رشیدالدین، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران، انتشارات امیرکبیر چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.
۴۱. مفید کلانتری، محبوبه، مطالعه مقدمه‌ای بر اهمیت زمین شناسی از دیدگاه قرآن، بیستمین جشنواره ملی قرآن دانشجویان ایران، پاییز ۱۳۸۳.
۴۲. مصطفوی، زهرا، آفرینش شش روزه و حرکت جوهری، دوفصلنامه علمی پژوهشی حکمت صدرایی، سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲.